

حقوق انسان

اما حقوق انسان و انسانی - محمدص اولین کسی است که برای انسان حقوقی وضع کرد که انقلاب فرانسه مدعی آنست و پیشوایان فرانسه حقوق انسان را در آن انقلاب خونین و در بین آن انحرافهای اخلاقی در سه کلمه خلاصه کرده اند آزادی - مساوات - برادری - و بعد از آنها امریکائیان که خود را پیشرو آزادی معرفی کرده اند - در سند و مدرک استقلال خود در سال ۱۷۷۶ میلادی این جملات را که از نظر اسلام و اسلامیان بدیهی است شعار خود قرار داده اند (مردم همه گی مساوی هستند و آفریدگار آنها حقوق مساوی بآنها داده است که نمیشود آنرا از آنها سلب کرد و آن حقوق عبارت از زندگی و آسایش و کوشش بدنبال سعادت است و معنای مساوات این است که تمام مردم در مقابل قانون در حقوق و در وظایف مساوی میباشند).

ولی قریب ۱۴ قرن پیش محمد بن عبدالله شارع اسلام باین عبارت (الناس سوا سیه کاسنان المشط و لافضل لعربی علی اعجمی الا بالتقوی و کلکم من آدم و آدم من تراب) یعنی مردم مثل دندانهای شانه با هم مساوی هستند و هیچ نوع فضیلت و برتری برای عرب بر عجم نیست مگر بتقوی و تمام شماها از آدم ریشه گرفته اید و آدم از خاک است برادری و تسادی و حقوق را تشریح فرمود.

و در فرمایش دیگر او است که عرب بر عجم و سفید بر سیاه رجحانی ندارد مگر بتقوی و کار نیک.

محمد ص تنها حرف نزد بلکه مطابق قول و گفته خود عمل کرد و با عموم

بطور عادلانه رفتار میکرد. وهنگامیکه جمعی از اصحاب و نزدیکان او از او استدعا کردند نسبت بگناه زنی از اشراف قریش چشم پوشی کند فرمود اقوامی که پیش از شما بودند بآن سبب هلاک شدند که اگر ضعیفی گناهی مرتکب میشد او را مجازات میکردند و اگر شریفی مرتکب گناه میشد او را مجازات نمی نمودند۔ بخدا قسم اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند دستش را میبرم .

واما تساوی در ارجاع شغل۔ دلیلی واضح تر از این حدیث نبوی ص نیست که فرمود (من ولی رجلاً شیئاً من امور المسلمین وهو يعلم ان فیه من هو اولی منه فقد خان الله ورسوله وجماعة المؤمنین) یعنی اگر کسی کاری از کارهای مسلمانان را بمردی واگذار کند درحالی که بداند شخص بهتر از او هست بخدا و برسول خدا و مردمان با ایمان خیانت کرده است .

اما تساوی در مالیات۔ رسول اکرم ص مالیات را بطور مساوی میگرفت هر کس در آمدش بیشتر مالیات بیشتر و هر کس در آمدش کمتر مالیاتش کمتر بود. **واما برادری۔** رسول اکرم ص اولین کسی است که برادری در عقیده و انسانیت را اعلان کرد و فرمود۔ (انما المؤمنون اخوه و الانسان اخو الانسان احبام کره) یعنی مردم مؤمن برادران یکدیگر هستند و انسان برادر انسان است چه بخواهد و چه نخواهد۔ و او اولین کسی است که بین مهاجران و انصار برادری برقرار کرد و بقسمی این برادری استحکام داشت که خانه و اموال خود را باهم تقسیم کردند و او اولین کسی است که برای فقراء و مساکین سهم قابل توجهی از بیت المال معین نمود و کسانی که بهیچوجه بحساب نمیآمدند و حتی خودشان هم چنین توقعی نداشتند دارای شخصیت و کرامت و احترام شدند .

والبتة خلفای او تحت تأثیر این تعلیمات بودند و هیچوقت از کوشش در راه خدا سستی نکردند (ولی متأسفانه بعضی از آنها تحت تأثیر پاره از ملاحظات رفتند و تبعیضاتی روا داشتند که بآن عنوان ثانوی داده بودند) .

اما آزادی۔ اسلام بآزادی چنان فرصت خود نمائی داد که نظیرش در دنیا دیده نشده و دیده نمیشود اسلام شرك را بتمام اقسام آن نکوهیده و حرام دانست و

با تمام اشکال و صورتهای شرک جنگید و خدا را تنها پروردگار عالمیان دانسته و معرفی کرد و گفت هر کس غیر از خدا را در کارها موثر بداند مشرک است و تمام انواع کرنش و پرستش‌ها را ریشه کن ساخت و در مرحله اول مردم را از رقیبت و بندگی آزاد کرد و بدنهای آنانرا از ضربات شلاق اربابان طاغی آزاد نمود سپس افکار و عقول آنها را آزاد کرد و در سایه این مسامحه دینی بود که خلیفه دوم عمر بن الخطاب خطاب بجمعی گفت شما از کی مردم را بنده خود ساخته‌اید خداوند بشر را آزاد خلق کرده است (خود او دوره تاریکی و جهالت و جاهلیت و ظلم را دیده بود که باراده قوی این فریاد زازد).

اسلام و عقاید یکی از روشن‌ترین و پاک‌ترین صفحات تاریخ اسلام صفحه درخشنده علاقه اسلام با سایر ادیان است و آثار آن، در رفتار مسلمانان صدر اول با سایر ادیان بخوبی جلوه می‌کند - برخورد اسلام با مسیحیت و موسویت برخورد محبت‌آمیز و احترام بوده است و فرمود (ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن) یعنی با اهل کتاب با زبان خوش و با بهترین طریقه صحبت و مباحثه نمائید - و شعار اسلام با اهل کتاب مطابق این آیه مبارکه است (ان الذین آمنوا والذین هادوا والنصاری والصائبین من آمن بالله والیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون) یعنی آنهایی که ایمان آورده‌اند و کسانی که یهودی و نصرانی هستند و صابئینی که ایمان بخدا و بروز جزا دارند و کارهای نیک میکنند هیچ ترسی بر آنها نیست و اندوهگین هم نمیشوند .

شعار اسلام در دعوت از مردم این جمله از آیه مبارکه است که (لا کراه فی الدین) هیچگونه اجباری در دین نیست - و ما مسلمانان میتوانیم افتخار کنیم که اسلام آزادی عقاید را حمایت نموده و نسبت با اهل ذمه نهایت خوش رفتاری را داشته و شنیده نشده است که رسول اکرم ص فردی را که مسلمان نشده از یهود و نصاری و دیگران باین جهت کشته باشد یا یکی از افراد اهل کتاب را آزار داده یا زندانی کرده باشد یا او را از عبادت خود منع کرده باشد و یا یکی از خلفای او در جنگ و صلح کلیسائی را خراب کرده باشد تاریخ میگوید رسول خدا بانصاری

نجران صلح کرد و عهدنامه‌ای نوشت که این عبارات در آن قید است و برای نجران و اطراف آن پناه خدا و تعهد محمد ص ثابت است که اموال و نفوس و ملیت و کنایس آنها محفوظ باشد و این تعهد نسبت بحاضران و غایبان آنها معتبر است و آنچه در دست دارند چه کم و چه زیاد بدون معارض مال آنهاست و هیچیک از اسقفیه‌های آنها تغییر نخواهد یافت و هیچیک از رهبانان و کاهنان آنها تغییر و تبدیل نمیشوند و عشریه از آنها گرفته نمیشود و آنها را از محل خود بیرون نمیکند و هیچوقت سپاه اسلام بزمین آنها پا نمیگذارد.

این بود رفتار اسلام و شارع اسلام و رفتار مسلمانان با اهل کتاب هم در نهایت مهربانی و محبت و با برادران دیگر خود که پیرو ادیان دیگر آسمانی بودند برادرانه بود و آنها نیز نسبت به مسلمانان در نهایت صمیمیت بودند و تاریخ حکایاتی در این زمینه نقل کرده است که موجب اعجاب و تقدیر است آنها نسبت بدینی که برای اجرای عدالت در دنیا جنگ میکرد و افراد پیرو آن جان خود را فدا مینمودند نهایت احترام را قایل بودند بلی اسلام با سایر ادیان دوستی داشته و این دوستی بهیچوجه اجباری نبوده بلکه از راه صفا و وفای بعهد و تعهدات خود نسبت بآنها بوده است.

ویکی از موارد بروز صفت وفای بعهد مسلمانان حکایتی است که بلاذری و سایر مورخین نوشته‌اند بلاذری در فتوح البلدان مینویسد - هر قل سپاهیان خود را جمع آوری و بطرف مسلمانان حرکت کرد و این در وقتی بود که ارجنگ برموک فاتحانه برگشته و در نهایت عزت و سرفرازی بودند در اینموقع فرمانده سپاه اسلام تمام خراجهای را که اهل حمص داده بودند پس داد و پیغام داد که ما از شما خراج گرفتیم تا از شما دفاع کنیم و چون مشغول کارهای دیگر بودیم نتوانستیم از شما دفاع نماییم بنابراین خراجی بر شما نیست و این حکایت را مورخ دیگر اینطور نقل کرده است پس از آنکه خبر بسپاه اسلام رسید که سپاه هر قل که فوق العاده زیاد هستند بطرف مسلمانان در حرکتند فرمانده سپاه اسلام خراجهای که از مردم سوریه گرفته بود پس داد و گفت اگر در این جنگ نتوانستیم از شما دفاع کنیم آنوقت مستحق گرفتن خراج هستیم - ولی مردم حمص گفتند عدالت و حکومت شما محبوب ما و

ما فوق العاده از وضع خود و دوره شما راضی هستیم و خودمان هم در دفاع از خاک خود باشما شرکت مینمائیم - بلاذری بازمینویسد یهودیان آن منطقه بر خواسته و گفتند بتوراة قسم که عامل هر قل وارد شهر نمیشود مگر آنکه ما نباشیم و درهای شهر را بستند و خودشان آنرا حفظ کردند .

نظریک تاریخ نویس غربی

آدم منزمنویسد - بعضی از خلفاء شخصا در جشنهای نصاری و در اعیاد آنها حاضر میشدند و شخصاً فرمان حفظ و حمایت آنها را صادر و دستور برگذار کردن جشنهای نصاری را میدادند و موکب آنها در حالی که پیشاپیش آنها اسقف حرکت میکرد در جشن شرکت مینمودند و همقدمی میکردند و یهودیان هم پیشاپیش آنان شیورزان حرکت مینمودند - و دیرهای نصاری در دوره خلفای اسلام رونق بسیاری پیدا کرد و عدد آنها هم زیاد شد و مسامحه مسلمانان با پیروان ادیان دیگر بسیار قابل توجه بود او مینویسد یکی از امور عجیبه در اسلام این است که عده بسیاری از ملل غیر اسلامی در خدمت دولتهای اسلامی بودند و نصاری در حقیقت در دولتهای اسلامی حکومت میکردند

جنایة استعمار

ولی با نهایت تأسف باید گفت وقتی ما چشم باز کردیم دیدیم که چگونه مسلمانان متفرق شدند و اجنبی در لباس متدینین و نشانههای نیکوکاران و قیافههای قدوسی در مردم ساده لوح نفوذ نمودند و رویه دین سازی را پیشه خود ساختند و نیتهای پلید خود را در لباس دینی بموقع عمل گذاردند و خود را دلسوز مسلمانان قلمداد نمودند در حالی که ذره ای علاقه بدین نداشتند و خود پرستانی بودند که بتجارت خود توجه داشتند و خدا و دین را ملعبه و اسباب کار خود میدانستند و در نتیجه این بدبختیهای بزرگ را برای مسلمانان بوجود آوردند . از خدا میخواهیم که مارا از شر آنها در امان نگاهدارد .

سید جعفر غضبان